

مروری بر آمارهای ازدواج و طلاق در ایران طی دهه منتهی به سال ۱۳۹۷

محمود بحرانی^۱

پژوهشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

چکیده

اهمیت تغییر و تحولات آمارهای ازدواج و طلاق در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی بر کسی پوشیده نیست. در این پژوهش مطالعه چگونگی روند این تغییرات طی یک دهه اخیر هدف قرار گرفته است. بدین منظور با استفاده از شیوه پیمایش اسنادی، ضمن بررسی آمارهای استخراج شده از جداول مرکز آمار ایران، به تحلیل و بررسی آنها پرداخته شده است. نتایج گویای آن است که آمارهای ازدواج در سال‌های اخیر پیوسته کاهش یافته است بطوری که می‌توان گفت حدود ۷۰۰ هزار جوان از ازدواج به موقع بازمانده‌اند و همزمان آمار طلاق افزایش داشته است، چنانکه آخرین آمارها نشان می‌دهد حدود یک سوم از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد. بر این اساس بازار ازدواج پیوسته بی‌رونق‌تر شده و پیامدهای هشدار دهنده‌ای در ابعاد مختلف به همراه دارد که با فشارهای اقتصادی موجود و عامل گسترش بیماری کوید ۱۹ تشدید می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: ازدواج، طلاق، جمعیت، جوانان.

مقدمه

آمارهای ازدواج و طلاق از جمله ارقام خاص مورد توجه جمعیت‌شناسان و محققان علوم اجتماعی و اقتصادی است. کاهش نرخ رشد جمعیت ایران در دهه‌های اخیر محققان و مسئولین کشور را نسبت به روند تغییرات آماری ازدواج و طلاق حساس نموده است. روند کاهشی نرخ ازدواج همراه با افزایش نرخ طلاق نگرانی‌های مربوط به پیامدهای نابسامانی اجتماعی را دو چندان می‌سازد.

موضوع ازدواج و طلاق ذهن محققان زیادی را به خود جلب کرده است. در تحقیق قبلی صورت گرفته بوسیله نگارنده با بررسی کمی آمارهای ازدواج و طلاق در یک دوره ۴۵ ساله (بحرانی، ۱۳۹۴) نشان داد که شاخص‌های آمار ازدواج و طلاق تا قبل از این دهه بیشتر هماهنگ و متناسب با هم پیش رفته‌اند، اما این آمارها از حدود سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ به بعد، روند نگران‌کننده‌ای در جهت افزایش نرخ طلاق و کاهش نرخ ازدواج را نشان می‌دهد. در تحقیق دیگری (بحرانی، ۱۳۹۶) که آمار افراد هرگز ازدواج نکرده از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفت، نتایج بدست آمده حاکی از افزایش قابل توجه درصد افراد هرگز ازدواج نکرده سنین ۳۹-۳۵ سال طی ده ساله منتهی به ۱۳۹۵ بود، بطوری که درصد افراد هرگز ازدواج نکرده تقریباً دو برابر شده بود و میزان آن در کل جمعیت ایران از ۵/۵۳ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۰/۱۹ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش داشته است. این تغییرات برای جمعیت شهری حدوداً ۴ برابر و برای جمعیت روستایی تقریباً دو برابر بود.

در همین راستا صادقی و همکاران (۱۳۹۴) با مرور نظام‌مند تحقیقات انجام گرفته در حوزه جوانان طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ به نشانگر افزایش سن ازدواج و نسبت‌های تجرد در میان جوانان ایرانی پی بردند. نتایج نشان داد نسبت دختران ازدواج نکرده تا ۳۰ سالگی از ۹ به ۲۶ درصد و برای پسران از ۱۸ به ۴۰ درصد افزایش یافته است. افزایش سن ازدواج، افزایش سن باروری را نیز باعث می‌شود که می‌تواند خطراتی را برای مادر و کودک به همراه داشته باشد؛ سهرابی و رستمی (۱۳۸۷) ارتباط معنی‌داری بین حاملگی بالای ۳۵ سال و هیپرتانسیون (پرفشاری خون) دوران بارداری و سقط جنین، و پایین بودن وزن نوزادان و خطرات زایمان را گزارش کردند. محققان دیگر نیز مشکلات مشابهی را گزارش کرده‌اند (بصیرت و حاجی احمدی، ۱۳۸۲؛ صفری، یزدان‌پناه و یزدان‌پناه، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر قدرت باروری زنان با افزایش سن آنها رو به کاهش می‌گذارد. حداکثر قدرت باروری زنان در فاصله ۲۵-۲۰ سال است که فاکتورهای مهمی مانند ذخیره تخمدان و پذیرش اندومتر در این امر دخیل هستند. کاهش قدرت باروری در زنان سنین بالای ۳۵ بوسیله طاهری‌پناه، امیرارجمند، افلاطونیان و کریم زاده میبیدی (۱۳۷۸) نشان داده شد. بر اساس نتایج مطالعه رازقی، عباسی شوازی و قاضی طباطبایی (۱۳۹۱)، یکی از اصلی‌ترین تعیین‌کننده‌های زمان تولد اولین فرزند، سن ازدواج است. علاوه بر این، افزایش میانگین سن ازدواج و گسترش تجرد قطعی، باعث اختلال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده و به دنبال آن نابسامانی در سطح جامعه خواهد شد (حبیب‌پور گتایی و غفاری، ۱۳۹۰).

نظر به اهمیت روند تحولات آماری ازدواج و طلاق از بعد فردی، اجتماعی، بهداشتی، اقتصادی و جمعیتی، در این نوشتار روال تغییرات آماری مربوطه به آن با تمرکز بر یک دهه اخیر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع پیمایش اسنادی بوده و داده‌های آن از آمارنامه‌های مرکز آمار ایران برگرفته شده، که با مراجعه به درگاه اینترنتی مرکز آمار ایران^۲ بدست آمده است. اطلاعات آماری مورد تحلیل در این پژوهش از جداول آماری مربوط به جمعیت و ازدواج استخراج شده‌اند. تحلیل‌های آماری به عمل آمده روی داده‌ها و ترسیم جدول و نمودارها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS صورت گرفته است.

یافته‌ها

در جدول زیر میزان آمار ثبت شده در کل کشور طی سه دهه یعنی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۸ آمده است. در نگاه اول این آمار نشان می‌دهد که میزان ازدواج از ۳۰۲۶۶۷ مورد در سال ۱۳۵۸ به ۵۵۰۵۶۵ مورد در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته و همزمان میزان طلاق نیز از ۲۱۱۷۰ مورد به ۱۷۵۶۱۴ مورد در این مدت افزایش داشته است. این نسبت به طور ساده در مورد افزایش نرخ ازدواج به میزان ۱/۸۲ برابر و در مورد افزایش نرخ طلاق ۸/۳۰ برابر را در همین مدت نشان می‌دهد که رقم بسیار قابل تأملی است و نسبت نامتقارن رشد طلاق به رشد ازدواج را نمایان می‌سازد. از نگاه شاخصی دیگر می‌توان گفت نسبت ازدواج به طلاق در سی سال گذشته از یک مورد طلاق به ازاء هر ۱۴/۳ ازدواج در سال ۱۳۵۸ به یک مورد طلاق از هر ۳/۱ ازدواج در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است. یعنی از هر سه ازدواج یکی به طلاق انجامیده است! و رشد طلاق در این دوره ۴/۶ برابر شده است.

جدول ۱ ازدواج و طلاق ثبت شده در کشور: ۱۳۵۸-۹۷

سال	تعداد ازدواج	تعداد طلاق	نسبت ازدواج به طلاق
۱۳۵۸	۳۰۲۶۶۷	۲۱۱۷۰	۱۴.۳۰
۱۳۵۹	۳۳۷۱۱۹	۲۳۹۸۷	۱۴.۰۵
۱۳۶۰	۲۹۴۴۹۹	۲۴۴۲۳	۱۲.۰۶
۱۳۶۱	۳۵۳۹۴۴	۳۱۲۲۱	۱۱.۳۴
۱۳۶۲	۴۱۰۷۹۹	۳۵۸۶۷	۱۱.۴۵
۱۳۶۳	۳۸۴۸۷۶	۳۵۱۷۸	۱۰.۹۴
۱۳۶۴	۴۰۸۲۸۲	۳۸۹۸۳	۱۰.۴۷
۱۳۶۵	۳۴۰۳۴۲	۳۵۲۱۱	۹.۶۷
۱۳۶۶	۳۴۶۶۵۲	۳۳۴۳۳	۱۰.۳۷
۱۳۶۷	۳۶۱۹۴۵	۳۳۱۱۴	۱۰.۹۳
۱۳۶۸	۴۵۸۷۰۸	۳۳۹۴۳	۱۳.۵۱
۱۳۶۹	۴۵۴۹۶۳	۳۷۸۲۷	۱۲.۰۳
۱۳۷۰	۴۴۸۸۵۱	۳۹۳۳۶	۱۱.۴۱
۱۳۷۱	۴۲۲۴۵۷	۳۳۹۸۳	۱۲.۴۳
۱۳۷۲	۴۶۳۴۸۷	۲۹۳۱۲	۱۵.۸۱

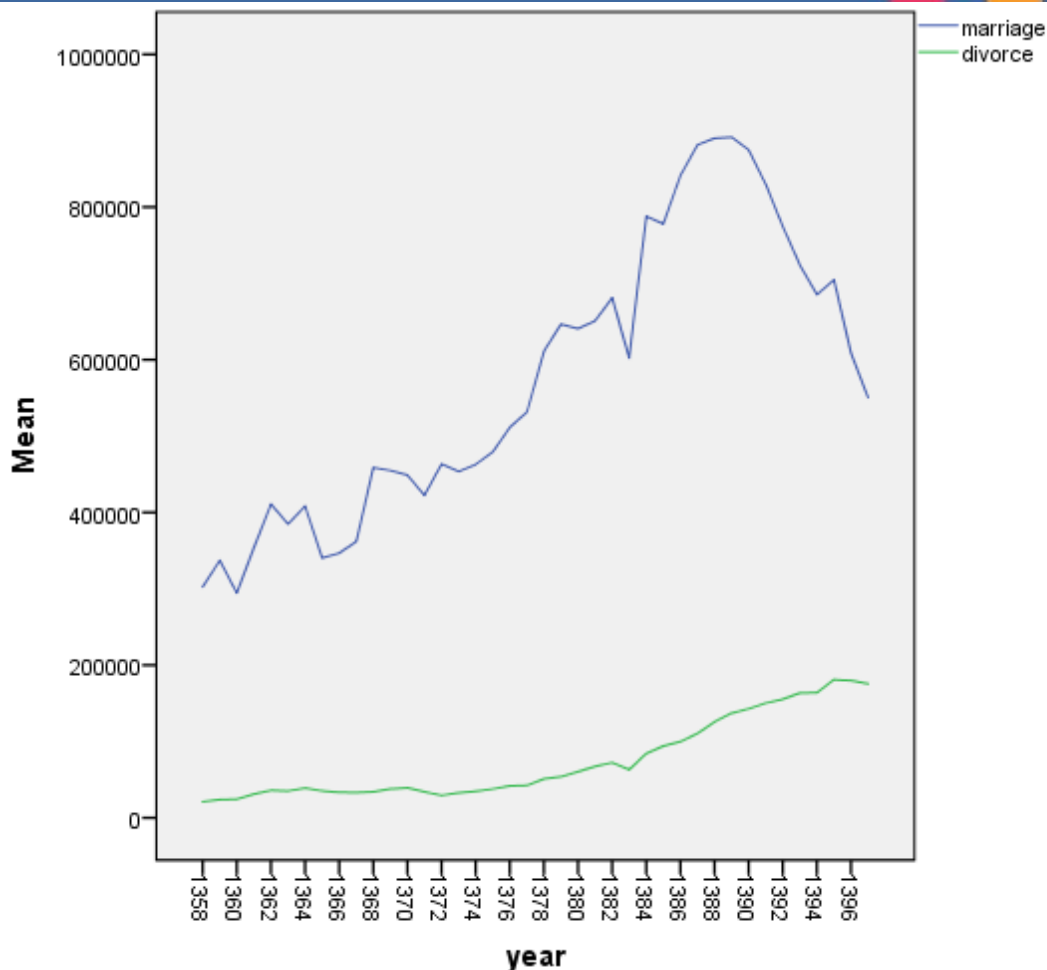
۱۳.۸۷	۳۲۷۰۶	۴۵۳۶۷۱	۱۳۷۳
۱۳.۳۲	۳۴۷۳۸	۴۶۲۸۵۵	۱۳۷۴
۱۲.۶۷	۳۷۸۱۷	۴۷۹۲۶۳	۱۳۷۵
۱۲.۲۳	۴۱۸۱۶	۵۱۱۴۰۱	۱۳۷۶
۱۲.۵۴	۴۲۳۹۱	۵۳۱۴۹۰	۱۳۷۷
۱۱.۹۷	۵۱۰۴۴	۶۱۱۰۷۳	۱۳۷۸
۱۲.۰۲	۵۳۷۹۷	۶۴۶۴۹۸	۱۳۷۹
۱۰.۵۸	۶۰۵۵۹	۶۴۰۷۱۰	۱۳۸۰
۹.۶۸	۶۷۲۵۶	۶۵۰۹۶۰	۱۳۸۱
۹.۴۱	۷۲۳۵۹	۶۸۱۰۳۴	۱۳۸۲
۹.۵۴	۶۳۱۲۵	۶۰۲۳۴۷	^(۱) ۱۳۸۳
۹.۳۵	۸۴۲۴۱	۷۸۷۸۱۸	۱۳۸۴
۸.۲۷	۹۴۰۴۰	۷۷۸۰۲۳	۱۳۸۵
۸.۴۲	۹۹۸۵۲	۸۴۱۱۰۷	۱۳۸۶
۷.۹۸	۱۱۰۵۱۰	۸۸۱۵۹۲	۱۳۸۷
۷.۰۸	۱۲۵۷۴۷	۸۹۰۲۰۸	۱۳۸۸
۶.۵۰	۱۳۷۲۰۰	۸۹۱۶۲۷	۱۳۸۹
۶.۱۲	۱۴۲۸۴۱	۸۷۴۷۹۲	۱۳۹۰
۵.۵۲	۱۵۰۳۲۴	۸۲۹۹۶۸	۱۳۹۱
۴.۹۸	۱۵۵۳۶۹	۷۷۴۵۱۳	۱۳۹۲
۴.۴۳	۱۶۳۵۶۹	۷۲۴۳۲۴	۱۳۹۳
۴.۱۸	۱۶۳۷۶۵	۶۸۵۳۵۲	۱۳۹۴
۳.۸۹	۱۸۱۰۴۹	۷۰۴۷۱۶	۱۳۹۵
۳.۳۹	۱۷۹۷۰۹	۶۰۸۸۶۷	^(۲) ۱۳۹۶
۳.۱۴	۱۷۵۶۱۴	۵۵۰۵۶۵	^(۲) ۱۳۹۷

(۱) اطلاعات ارائه شده مربوط به فروردین ماه لغایت دی ماه ۱۳۸۳ می باشد.

(۲) اطلاعات سال های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ مربوط به سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور و اطلاعات سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۵ مربوط

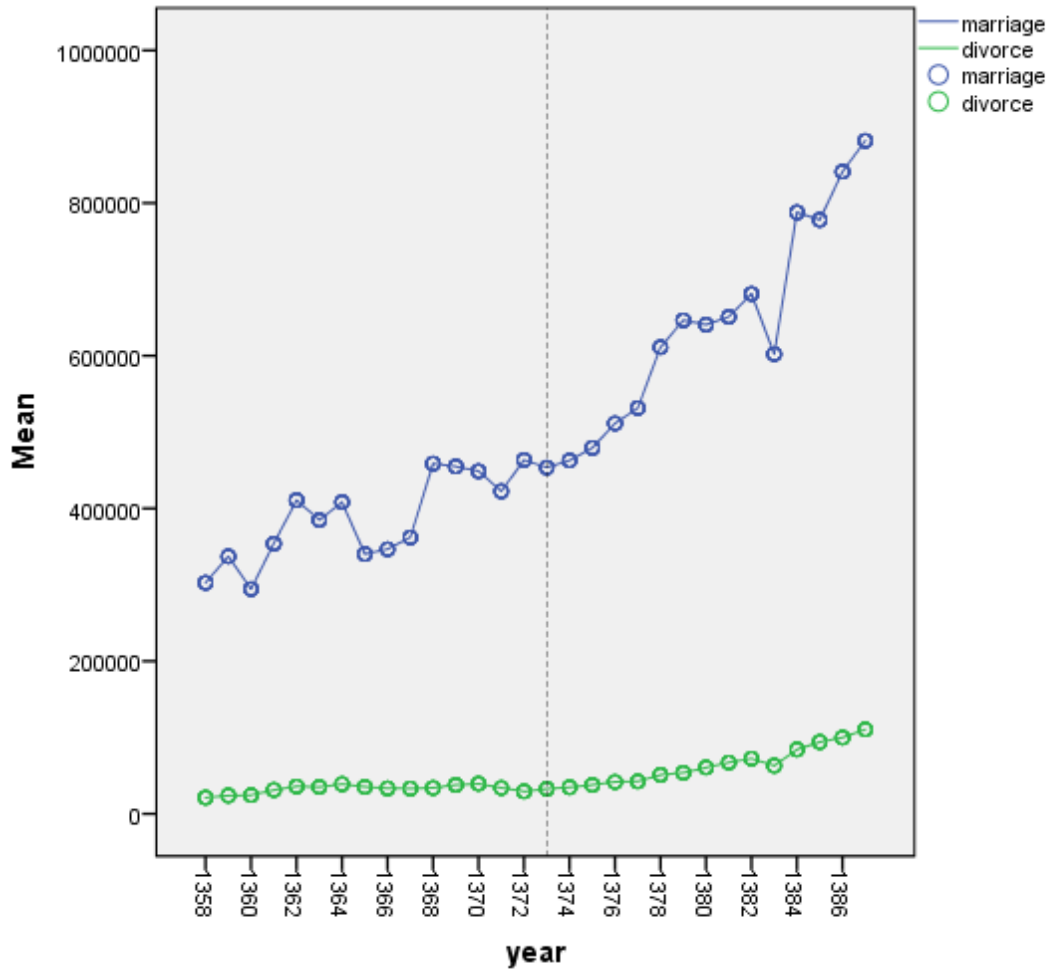
به سایت این سازمان به نشانی www.sabteahval.ir می باشد.

اما هدف اصلی این نوشتار آمار ده سال اخیر است. آمارهای درج شده در جدول ۱ در نمودار ۱ به نمایش در آمده است. با نگاهی به این نمودار مشاهده می شود که تا قبل از سال ۱۳۸۷ ازدواج روند رو به افزایش داشته، سپس در فاصله سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ تقریباً ثابت مانده و از آن به بعد نرخ ازدواج کاهش یافته است، بطوریکه تعداد ازدواج ثبت شده از ۸۹۱۶۲۷ مورد در سال ۱۳۸۹ به ۵۵۰۵۶۵ مورد در سال ۱۳۹۷ رسیده است در حالی که در طی همین مدت رشد طلاق با شیب تندتر از قبل بیش از دو برابر افزایش یافته است.



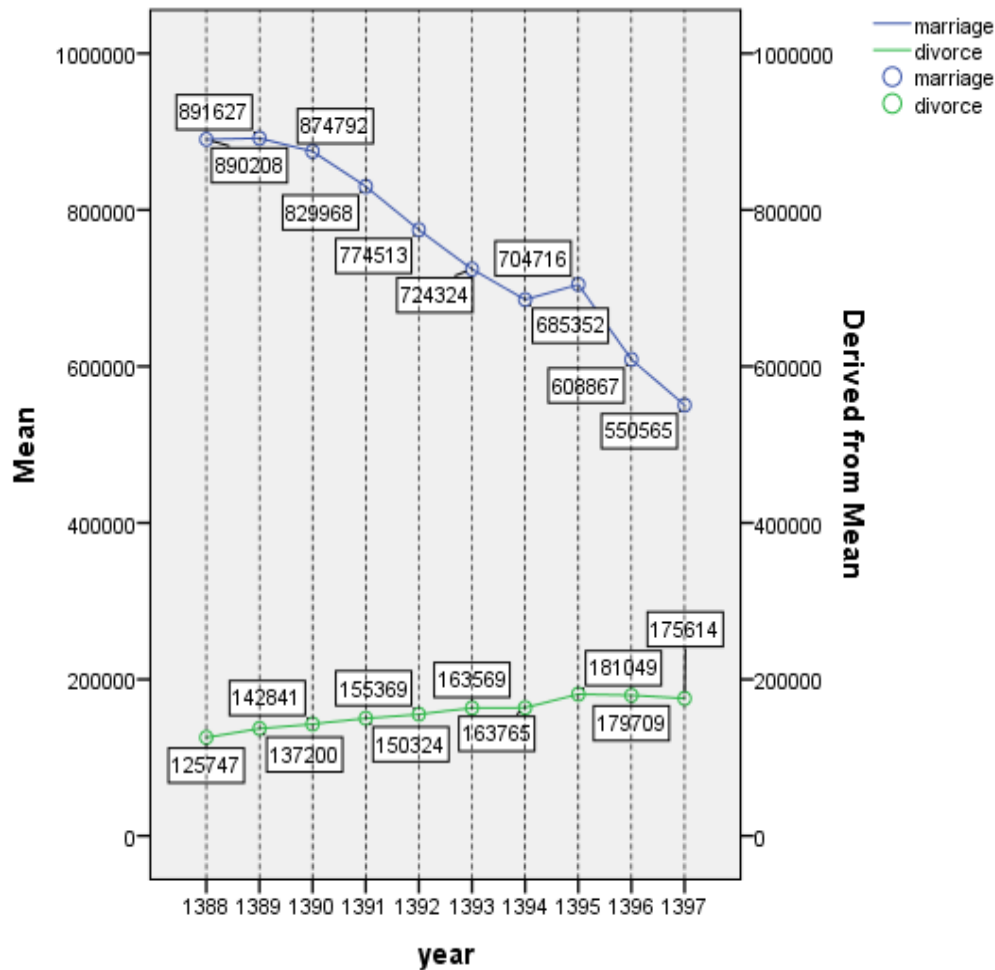
نمودار ۱ آمار ازدواج و طلاق در کل کشور طی ۳۰ سال گذشته

برای نمایش بهتر این داده‌ها دو نمودار جداگانه برای دو دوره قبل و بعد از سال ۱۳۸۷ ترسیم شده است. در نمودار ۲ روند تغییرات آمارهای ازدواج و طلاق در دوره ۲۰ ساله منتهی به ۱۳۸۷ آمده است. چنانکه در این نمودار مشاهده می‌شود روند افزایش میزان طلاق شیب ملایمی دارد ولی آمار ازدواج نوسانات بیشتری داشته و در سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۷ شیب تندی پیدا کرده است.



نمودار ۲ آمار ازدواج و طلاق در کل کشور طی سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۷

در نمودار شماره ۳ آمار ازدواج و طلاق در ده سال گذشته نشان داده شده است. دقت در رقم‌های مربوط به ازدواج در این دوره نشان می‌دهد که بطور میانگین، سالانه حدود ۳۷ هزار مورد از ازدواج‌ها کاسته شده است. به بیان دیگر هر سال حدود ۷۵ هزار دختر و پسر نسبت به سال قبل، از ازدواج باز مانده‌اند و در مجموع حدود ۷۰۰ هزار نفر در این مدت از ازدواج باز مانده‌اند.



نمودار ۳ آمار ازدواج و طلاق در کل کشور طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷

بحث و نتیجه‌گیری

پیرو پژوهش‌های پیشین (بحرانی، ۱۳۹۴، ۱۳۹۶)، مطالعه اسناد آماری برگرفته از منابع مرکز آمار ایران و سازمان ثبت و احوال کشور در این پژوهش نشان داد که، روند کاهشی آمار ازدواج از سال‌ها پیش آغاز شده و همچنان ادامه دارد. یک برآورد کلی نشان می‌دهد که در چند سال اخیر در مقایسه با روند سال‌های قبل از آن، سالانه بطور متوسط حدود ۳۷ هزار مورد از ازدواج‌ها کاسته شده و در نتیجه حدود ۷۰۰ هزار نفر از دختران و پسران در این دوره از ازدواج بازمانده‌اند. این آمارها تا سال ۱۳۹۷ در دسترس بود اما در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ نیز که هنوز آمار آن منتشر نشده است، نه تنها انتظار داریم این روند ادامه یافته باشد بلکه تشدید هم شده باشد زیرا همه‌گیری بیماری کوید ۱۹ در پایان سال ۱۳۹۸ آثار قابل پیش‌بینی بر اقتصاد و همه امور اجتماعی داشته است از آن جمله تعطیلی تالارهای برگزاری مراسم است و پیامدهای این روند ادامه خواهد داشت. بنابر این ما در سال جاری شاهد افت شدید آمار ازدواج نسبت به سال‌های قبل خواهیم بود و تأثیر منفی آن بر روند رشد جمعیت نیز در درازمدت حتمی است.

کاهش آمار ازدواج همراه با افزایش آمار طلاق وخامت بازار زناشویی را دو چندان می‌سازد. این نابسامانی خود می‌تواند هم علت باشد و هم معلوم، چرا که میزان زیاد ازدواج‌های ناموفق و منجر به طلاق موجب ترس افراد از ازدواج نیز خواهد شد. در دهه‌های پیشین نمودار رشد طلاق و رشد ازدواج در یک راستا بودند و با افزایش تعداد ازدواج به طور طبیعی تعداد ازدواج‌های ناموفق هم بیشتر می‌شد، اما شتاب گرفتن رشد طلاق در حالی که شاهد افت آمار ازدواج هستیم کاملاً غیرطبیعی و هشدار دهنده است.

علت‌یابی و آسیب‌شناسی این وضع بسیار ضروری است هر چند شواهد موجود حکایت از تأثیر شرایط بد اقتصادی و بخصوص بی‌کاری و نامناسب بودن درآمد با هزینه‌های زندگی دارد و به عنوان علت اصلی تمایل نداشتن افراد به ازدواج و حتی در افتادن ازدواج به ورطه طلاق از آن یاد می‌شود. عوامل اقتصادی مؤثر بر بازار ازدواج را می‌توان در راستای نظریه بکر (۱۹۷۴) تعبیر نمود که معتقد بود اقتصاد علاوه بر حوزه‌های مالی می‌تواند وجوه مختلفی دیگری را هم در بر بگیرد، از جمله ازدواج را باید در آن تحلیل کرد. وی می‌افزاید: دو اصل ساده هسته این تحلیل را تشکیل می‌دهد. اولین مورد این است که، از آنجا که ازدواج عملاً همیشه داوطلبانه است، چه توسط افراد متأهل و چه والدین آنها، نظریه ترجیحات به راحتی قابل اجرا است و می‌توان فرض کرد افرادی که ازدواج می‌کنند (یا والدین آنها) انتظار دارند سطح مطلوبیت خود را بالاتر از آنچه در حالت مجرد ماندن قرار داشت ببرند. دوم اینکه، از آنجا که بسیاری از مردان و زنانی که به دنبال ازدواج هستند، می‌توانند فرض کنند که بازار ازدواج وجود دارد، هر فرد با توجه به محدودیت‌هایی که در شرایط بازار اعمال می‌شود، می‌کوشد بهترین همسر را پیدا کند.

اثر بیکاری و فقر اقتصادی بر افزایش طلاق از سوی تحقیقات زیادی تأیید شده است (زرگر و همکاران، ۱۳۸۶، شیرزاد و همکاران، ۱۳۸۳)، بطور مثال نتایج تحقیق درگاهی، قاسمی و بیرانوند (۱۳۹۷) که به بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر طلاق در ایران با تأکید بر ادوار تجاری پرداختند، نرخ طلاق با بیکاری و تورم رابطه مثبت دارد. آنان بر این عقیده هستند که رویکرد مشقت اقتصادی در توضیح طلاق در ایران مورد تأیید است. با این وجود علت‌شناسی این موضوع نیاز به بررسی عمیق و بخصوص به کارگیری شیوه‌های کیفی است که در محدوده این مقاله نگنجانیده است و تلاش‌های تحقیقاتی بعدی را طلب می‌نماید.

در تحقیق قبلی صورت گرفته بوسیله نگارنده که آمار ازدواج در یک دوره ۴۵ ساله مورد تحلیل قرار گرفت (بحرانی، ۱۳۹۴) بررسی کمی آمارهای ازدواج و طلاق نشان داد که در سال‌های قبل از انقلاب بین شاخص‌های آمار ازدواج و طلاق هماهنگی و تناسبی مشاهده می‌شود؛ در سال‌های پس از انقلاب شاهد افزایش در میزان ازدواج و کاهش میزان طلاق هستیم. در سال‌های پایانی جنگ هشت ساله ایران و عراق، بار دیگر نسبت‌های طلاق و ازدواج به هم نزدیک شده‌اند، اما این آمارها از حدود سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ به بعد، روند نگران‌کننده‌ای در جهت افزایش نرخ طلاق و کاهش نرخ ازدواج را نشان می‌دهد.

در تحقیقی دیگر (بحرانی، ۱۳۹۶) که آمار افراد هرگز ازدواج نکرده از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفت، داده‌های مربوط به افراد ازدواج نکرده شهری و روستایی در دو مقطع سنی ۳۹-۳۵ سال و ۶۰ ساله به بالا مد نظر قرار گرفتند. نتایج بدست آمده حاکی از افزایش قابل توجه درصد افراد هرگز ازدواج نکرده سنین ۳۹-۳۵ سال طی ده ساله منتهی به ۱۳۹۵ بود، بطوری که درصد افراد هرگز ازدواج نکرده تقریباً دو برابر شده و میزان آن در کل جمعیت ایران از ۵/۵۳ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۰/۱۹ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش داشته است. این تغییرات برای جمعیت شهری حدوداً ۴ برابر و برای جمعیت روستایی تقریباً دو برابر بود. در این میان زنان همواره آسیب‌پذیری بیشتری را تجربه می‌کنند چون در رخداد ازدواج نقش انفعالی داشته و باید منتظر خواستگار بمانند و در طلاق نیز به لحاظ قوانین، فرهنگ و زیست‌شناسی اغلب دچار زیان بیشتری هستند. یکی از

شواهد در این زمینه، بخشی از یافته‌های تحقیق مشکی و همکاران (۱۳۹۰) است که نشان داد که بیش از نیمی از مردان مطلقه، پس از طلاق مجدداً ازدواج کرده بودند، در مقابل فقط ۱۰ درصد از زنان مطلقه موفق به ازدواج مجدد شده بودند. محدودیت سن باروری در زنان باعث می‌شود زنان ازدواج نکرده در عمل شانس کمتری برای ازدواج در سنین بالای ۳۵ سال داشته باشند و از تشکیل خانواده و داشتن فرزند محروم بمانند. بدیهی است این مشکل پیامدهای منفی روحی و روانی برای آنان در سنین بالاتر هم خواهد داشت. بنابر این تغییر روند کاهش ازدواج چه از لحاظ فردی و چه اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی ضرورت دارد و باید برای آن چاره‌اندیشی شود. البته محققان در آمریکا این تجربه را به سبک دیگری تفسیر نموده‌اند، چنانکه گلدستون و کنی (۲۰۰۱) این سوال را بررسی کردند که آیا کاهش‌های اخیر در میزان ازدواج اول نشان می‌دهد که تعداد فزاینده‌ای از زنان در کل زندگی خود مجرد باقی خواهند ماند، یا این که آنها ازدواج را به سنین بالاتر موکول می‌کنند؟ پیش بینی‌های آنها برای گروه‌های متولد دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نشان داد که ازدواج برای زنان آمریکایی تقریباً همگانی خواهد بود - پیش بینی می‌شود نزدیک به ۹۰ درصد از زنان ازدواج کنند. آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که: در حالی که در گذشته، زنان با تحصیلات بیشتر کمتر ازدواج می‌کردند، پیش بینی می‌شود که فارغ‌التحصیلان اخیر دانشگاه‌ها علیرغم ورود دیرتر به ازدواج اول، در مقاطع بالاتر ازدواج کنند. با این وجود وضعیت ازدواج و طلاق در کشورهای پیشرفته نسبت به کشورهای در حال رشد به سادگی قابل مقایسه نیست، تفاوت‌های فرهنگی را در مسأله ازدواج نباید نادیده گرفت، چنانکه پدیده طلاق در کشورهای صنعتی فراگیرتر است و پذیرش عمومی بیشتری یافته است.

منابع

- بحرانی، محمود (۱۳۹۶). تحلیل بر روند آمار بزرگسالان ازدواج نکرده طی سه سرشماری اخیر. هفتمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی خانواده. تهران، کتاب مجموعه مقالات هفتمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی خانواده، ناشر: رسول اکرم (ص) شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۹۴۱-۶-۴
- بحرانی، محمود (۱۳۹۴). تحلیل آمارهای ازدواج و طلاق زوج‌های ایرانی طی ۴۵ سال گذشته. دومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
- بصیرت زهرا و حاجی احمدی محمود (۱۳۸۲). مقایسه فراوانی عوارض بارداری قبل و بعد از ۳۵ سالگی مادر. مجله دانشگاه علوم پزشکی بابل، ۱۹ (۳) ۳۹-۳۵.
- حبیب‌پور گنجابی کرم و غفاری غلامرضا (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، ش ۱، ص. ۷-۳۴.
- درگاهی حسن، قاسمی مجتبی و بیرانوند امین (۱۳۹۷). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر طلاق در ایران با تأکید بر ادوار تجاری، آموزش و اشتغال زنان. فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، سال نهم، شماره چهارم، ۹۵-۱۲۰.
- رازقی نصرآباد حبیبه بی‌بی، عباسی شوازی محمدجلال، قاضی طباطبایی سیدمحمود (۱۳۹۱). تحلیل چند سطحی عوامل موثر بر زمان وقوع تولد اول در ایران ۱۳۷۹-۱۳۷۰. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان) دوره ۱۴، شماره ۵۵، ۹۴-۵۵.

زرگر، فاطمه، نشاط دوست، حمیدظاهر. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان. فصلنامه خانواده پژوهی، سال سوم، شماره ۱۱، ۷۴۹-۷۳۷.

سهرابی داود، رستمی حسین. ارتباط سن مادر با حاملگی و عوارض ناشی از آن. مجله پرستاری و مامایی ارومیه. ۱۳۸۷؛ ۶ (۱): ۷۹-۸۵. بازیابی شده از سایت: <http://unmf.umsu.ac.ir/article-1-75-fa.html> at: 8:33 am, 1396/9/18

شیرزاد، جلال، کاظمی فر، امیرمحمد. (۱۳۸۳). مطالعات همه گیر شناسی زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان در سال ۷۹، فصلنامه پزشکی قانونی، شماره ۳۶، ۲۱۲-۲۰۷. صادقی رسول، عباسی شوازی محمدجلال و محمودیانی سراج‌الدین (۱۳۹۴). تورم جوانی جمعیت در ایران: خلأهای تحقیقاتی و الزامات سیاستی. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال دهم، شماره نوزدهم، ۴۳-۹. بازیابی شده از:

http://www.jpaiassoc.ir/article_25585_58a378ac053c6f08f07e67ad0ecf6b22.pdf 1396/9/15

صفری میترا، یزدان پناه بهروز، یزدان پناه شهرزاد (۱۳۸۷). میزان بارداری پرخطر و برخی عوامل مرتبط در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی شهر یاسوج. مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان، ۳۰ (۲)، ۲۴-۱۸. بازیابی شده از سایت: <http://nmj.umsha.ac.ir/article-1-1051-fa.html> at: 9:50 am, 2017/11/8

طاهری پناه ربابه، امیرارجمند محمد حسین، افلاطونیان عباس، کریم زاده میبدی محمدعلی (۱۳۷۸). بررسی اثر افزایش سن زن در نتایج تزریق اسپرم به داخل اووسیت (ICSI) در مقایسه با IVF. فصلنامه باروری و ناباروری، صفحات ۳۰-۲۴. بازیابی شده از سایت: <http://www.jri.ir/> at: 9:03 am, 2017/11/8

مشکی مهدی، شاه قاسمی زهره، دلشاد نوقابی علی و مسلم علیرضا (۱۳۹۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه ی شهرستان گناباد در سال های ۸۸-۱۳۸۷. افق دانش؛ فصلنامه‌ی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد دوره ی ۱۷؛ شماره ی ۱، ۴۵-۳۵. دانلود شده در تاریخ ۱۴/۴/۱۳۹۹ از: <http://hms.gmu.ac.ir/article-1-1081-fa.html>

Becker, Gary S. (1974). A Theory of Marriage. National Bureau of Economic Research, Volume URL: <http://www.nber.org/books/schu74-1>, Chapter URL: <http://www.nber.org/chapters/c2970> p. 299 – 351.

Goldstein, J. R. & Kenney, T. (2001). Marriage Delayed or Marriage Forgone? New Cohort Forecasts of First Marriage for U.S. Women. *American Sociological Review*, Vol. 66 (August: 506–519). Retrieved from: <https://www.asanet.org/sites/default/files/savvy/images/members/docs/pdf/featured/goldstein.pdf>. 7/8/2020.